

سندی از تحریم تنباکو توسط علمای اصفهان

(اصفهان: پیشرو در تحریم تنباکو)

علی سلطانی شایان^۱

چکیده:

طی سفر ناصرالدین شاه به انگلیس امتیازی به نام رژی با ماژور جرال تالبوت در رجب ۱۳۰۷ بسته می شود که توتون و تنباکو را به مدت ۵۰ سال در اختیار تالبوت قرار می داد. این امتیاز باعث مخالفت های گسترده ای در شهرهای مختلف ایران شد و بسیاری از تجار و زارعین و به تبع آن علما و مجتهدین خواستار لغو این قرار داد شدند. در اصفهان مجتهدی به نام آقا نجفی (شیخ محمد تقی رازی) به همراه برادر خود شیخ محمد علی، توتون و تنباکو را تحریم می کنند. جدا از میزان تأثیرگذاری این فتوی، با توجه به تاریخ نامه، می بینیم که این امر زودتر از فتوای میرزای شیرازی اتفاق افتاده است. این امتیاز بالاخره در جمادی الآخر ۱۳۰۹ از طرف حکومت لغو می شود. موضوع این مقال امتیاز رژی و مسأله ای که مطرح است این است که فتوای دو مجتهد اصفهان چه تأثیری در روند مخالفت ها داشته است و البته خواهیم دید که تأثیرات چشمگیری در پیشبرد اهداف داشته است چرا که مردم در شهرهای مختلف مثل شیراز، اصفهان، تهران و... به این قیام پیوستند و باعث تشدید اعتراضها و در نهایت امر لغو امتیاز شدند.

واژگان کلیدی: ناصرالدین شاه، ظل السلطان، میرزای شیرازی، شیخ محمد تقی رازی (آقا نجفی)، رژی، تالبوت.

^۱. دانشجوی رشته تاریخ مقطع کارشناسی ارشد گرایش اسناد و مدارک آرشیوی، دانشگاه تهران

پست الکترونیکی: A_soltanishayan@yahoo.com

از اصفهان - قربان خاک پای جواهر آسای مبارکت شوم - اگر چه مفصلاً همراه چاپار پست راپورت روز پنج شنبه و جمعه «آقا نجفی» و برادرش «شیخ محمد علی» و «ملا باقر فشارکی» را عرض کرده ام و لیکن بواسطه اعلاناتیکه در کوچه ها چسبانیده اند و هر جا که فرنگی را می بینند داد و فریاد می کنند، لاعلاج دیدم به توسط تلگراف عرض کنم در این دو روزه در میدان مصلی که در تخت فولاد است اجماعی کرده اند که در منبر رفته بر ضد دولت در باب تنباکو بانک و غیره مطالب بگویند. آن جمعیت چون خارج و نزدیک جلفا بود، غلام بسیار متوحش شد که اسباب اغتشاش کلی نشود، لیکن «رکن الملک» و «کریمخان میر پنجه» را با سوار فرستاد و آن جمعیت را پراکنده کرد و مشایخ را مانع از رفتن آنجا شد، ولی این غلام نمی دانست در منبر و مسجد و خانه شان چه می گویند و در مجلس درس چه مذاکره می نمایند؟ در این سه جا کشیدن قلیان را حرام و کشت و زرع تنباکو را حرام اندر حرام و حامی فرنگی را «کافر و واجب القتل» و نوکر و بستگان آنها را «نجس العین» اعلان کرده اند، زیاده بر آنچه تصور بشود اظهار فضولی و جرأت کرده اند و کلمات ناشایسته به زبان آورده اند. به خصوص «شیخ محمد علی» برادر «آقا نجفی»، این غلام هم در همه جا بیش از قوهی خود جلوگیری از آنها کرده همه اعلانات را کند و چند نفر هم از اشخاصی را که دنبال فرنگی ها فریاد کرده بودند به چنگ آورده تنبیه کرد، با حالت ناخوشی که در بستر افتاده ام بیش از قوه خودم و استعدادیکه دولت به من داده است و

حدی که مشخص کرده است جنبیده ام، نفس کسی به خلاف قانون بیرون نیامده است، ارزانی و فراوانی هم در کمال خوبی است، و لکن این مشایخ سفیه که نمک مبارک و به جیقہی مبارک که عقل ذی عقول از حرکات آنها مات می ماند که به چه پشتگرمی و به چه اطمینان این حرکات از آنها ناشی می شود و خود را مثل شب پره به شعله ی سخط و غضب دولت می زنند، به این جزئی حرکات غلام آرام نمی گیرند، گمان غلام این است که اگر آنها از طرف شخص همایونی نصیحت یا مؤاخذه سخت و بازخواست نبینند آرام نگیرند و رفته رفته اسباب زحمت بزرگی فراهم می آورند، اگر چه این غلام ناخوش است، افتاده و گرفتار با درد و همه جور مرض است اما برای نثار جان در راه ولی نعمت و انجام فرمایشات همایونی به هر چه حکم بفرمایند اطاعت می کنم و انجام میدهم و جان خود غلام در آن راه تصدق شود افتخار بازماندگان است. غلام بی مقدار «مسعود قاجار» مهر تلگرافخانه ۱۹ ربیع الثانی ۱۳۰۹

در سفر ناصرالدین شاه به انگلیس امتیازی به یک فردی به نام ماژور جرال تالبوت در ۲۷ رجب ۱۳۰۷ در تهران واگذار شد. این قرارداد انحصار خرید و فروش توتون و تنباکو رادر خارج در اختیار تالبوت قرار می داد و مدت آن ۵۰ سال بود. مبلغ این قرارداد نیز ۱۵ هزار لیره به اضافه یک چهارم سود سالیانه بود.

از ۱۱ رمضان ۱۳۰۸ که ارنستین مدیر عامل رژی به تهران آمد تا دستگاه رژی را بر پا دارد اعتراضها آغاز شد. اولین اعتراضها نیز از تجار پایتخت آغاز شد. این اعتراضها به صورت نامه به خود شاه و نیز شبنامه در شهر منتشر گشت. اعتراضات در شیراز، تبریز، کرمان، مشهد و اصفهان نیز واقع شد و دامنه تا بدانجا بود که حکومت مجبور شد با پرداخت ۵۰۰۰۰۰ لیره خسارت در جمادی الآخر ۱۳۰۹ قرار داد را لغو کند. در این

نوشته به رویدادهای مربوط به تحریم تنباکو در سه شهر مهم شیراز، اصفهان و تهران پرداخته می شود.

در شیراز نماینده رژی «بینز» با سفارشنامه رسمی از تهران به شیراز آمد. شیراز چون مهمترین محل کشت توتون بود پس از اهمیت خاصی در این ماجرا دارد. تجار و کشاورزان سردمدار مخالفت بودند زیرا همانطور که گفته شد در شیراز کشت توتون بسیار بود و با این قرارداد این افراد منافع خود را از دست می دادند و به همین خاطر اعتراض کشاورزان گسترده بود. در شیراز ملایان که در ابتدا بی حرکت بودند و از همکاری پرهیز می جستند تحت فشار افکار عام به صحنه مخالفت با رژی کشانده شدند. طبق گزارش مأمور سیاسی انگلیس در ۱۷ رمضان ۱۳۰۸ در شیراز، «علما به مسجد نمی روند، موذن اذان نمی گوید و مأموران جزء به صف مخالفان کمپانی پیوستند». (آدمیت، ۱۳۶۰: ۲۰)

در سال ۱۳۰۸ علی اکبر مجتهد از علمای شیراز تبعید شد و به سمت سامره نزد میرزای شیرازی رفت و از او در این زمینه یاری خواست. میرزای شیرازی نیز مکاتبه ای با امین السلطان انجام داد ولی بی فایده بود. (دایرةالمعارف تشیع، ۱۳۷۹، ج ۸: ۲۱۹) نخستین اعتراض در مخالفت با امتیاز نامه رژی در رجب ۱۳۰۸ در پایتخت واقع شد. نامه ای اعتراض آمیز تجار برای شاه نوشته شد که این قرارداد با منافع مملکت مطابق نیست. تجار بیانیه دوم خود را به علما و شریعتمداران نوشتند و از آنان خواستند که نسبت به این قضیه بی تفاوت نباشند. آنها در منزل میرزا حسن آشتیانی جهت تصمیم گیری جمع شدند تا بتوانند دولت را در فسخ این امتیاز تحت فشار بگذارند. (همان، جلد ۸: ۲۱۹)

اول جمادی الاول ۱۳۰۹ از طرف میرزای شیرازی نوشته ای منتشر شد که: الیوم استعمال توتون و تنباکو بای نحو کان در حکم محاربه با امام زمان صلوٰه الله علیه است حرره الحقر محمد حسن الحسینی.

میرزای آشتیانی تهدید شد یا از شهر بیرون برود یا رفع حرمت کند. وی آماده حرکت شده بود ولی با مقاومت مردم و دفاع از ایشان معادلات به هم ریخت سپس دو روز بعد یعنی ۳ جمادی الثانی ۱۳۰۹ بازارها بسته شد. (آدمیت، ۱۳۶۰، ص ۱۰۶). در میدان

ارگ به روی مردم آتش گشوده شد و به خاطر تشدید اعتراضها شاه با قبول پرداخت خسارت ۵۰۰/۰۰۰ لیره ای در ۴ جمادی الثانی ۱۳۰۹ ناچار قرار داد را لغو کرد. (همان: ۱۱۷)

در ۲۵ جمادی الثانی ۱۳۰۹ میرزای آشتیانی لغو امتیاز اجازه استعمال دخانیات را در مسجد شاه از طرف میرزای شیرازی به آگاهی مردم رساند. حکم میرزا بدین مضمون بود: «... سوالی که از بقای حکم بر تقدیر امتیاز شده ، جواب این است: بر فرض رفع امتیاز نامه حقیقتاً از این جهت منعی ندارد. (همان ، ص ۱۲۵)

حاکم اصفهان در این زمان ظل‌السلطان^۱ (۱۳۳۶-۱۲۶۶ ق) فرزند ناصرالدین شاه بود. وی به شدت از رژی حمایت می کرد و در صدد بود تا به نوعی غائله به نفع امتیاز ختم شود. ظل‌السلطان ملاباشی خود را سراغ آقا نجفی فرستاد که شراب از تنباکو نجس تر است پس در مورد آن هم همانقدر بگوید. پاسخ شنید که تکلیف شرعی ما این است و شما هم به تکلیف عرفی خودتان اقدام کنید. (صفایی، ۱۳۴۶، ص ۴۱) وی که توان مقابله با اعتراض ها را نمی‌دید به شاه نامه نوشت و از او استمداد خواست. (همان، صص ۲۵ و ۲۶)

نماینده رژی در اصفهان موئیر^۲ بود. در مورد اصفهان باید توجه داشت که :

۱- اهمیت اصفهان از آن است که فکر تحریم از آنجا برخاست.

^۱. ظل‌السلطان در سال ۱۲۷۷ حدود ۱۱ سالگی به حکومت مازندران و استرآباد منصوب شد. در ۱۲۷۹ در سن ۱۳ سالگی به حکومت فارس در ۱۲۸۳ در ۱۷ سالگی به حکومت اصفهان و از سال ۱۲۹۱ تا اوایل مشروطیت در مدت ۳۴ سال حاکم مطلق و مسلط بر همه چیز اهالی اصفهان بود و هر چه دلش می خواست در آنجا برای خویشتن انجام میداد. (بامداد، ۱۳۴۷، ص ۸۲) وی دست تعدی و تجاوز به مال و ناموس و جان اشخاص دراز نمود و املاک فراوانی از بسیاری از مردم که دسترسی به جایی نداشتند غصب و تصرف کرد. (همان ، ص ۸۳) وی حاضر بود یک میلیون تومان به شاه بدهد تا به جای مظفرالدین میرزا ولیعهد شود. اعتمادالسلطنه در مورد وی می‌گوید: ظل‌السلطان خودش را عاقل می داند اما غافل از اینکه حقه بازی و شارلاتانی عاقلی نیست. (همان ، ص ۸۷) وی انگلوفیل بود و نشانی از دولت بریتانیا (نشان زانوبند) به او داده شده بود. (همان ، ص ۸۹) در ۱۳۲۴ جهت تهنیت سلطنت محمد علی شاه به تهران آمد و مردم اصفهان عزل او را خواستار شدند تا اینکه مجلس هم عزل او را تصویب کرد. (همان ، ص ۹۳)

^۲. Muir

۲- از اقدام تجار این بود که در صفر ۱۳۰۹ اعتراض خود را به وسیله امام جمعه به ظل السلطان خبر دادند ولی با جواب تهدید آمیز ظل السلطان مواجه شدند که گفته بود «به احترام امام جمعه از سر تقصیر آنها میگذرد». در آنجا مخالفت به حدی بود که یکی از تجار معروف اصفهان تنباکوی خود را آتش کشید تا با رژی معامله نکند. آدمیت، ۱۳۶۰، ص ۵۲)

۱- همکاری آقا نجفی و برادرش شیخ محمد علی
شیخ محمدعلی (شاید با تأثیر از حاج احمد بنکدار بازرگان اصفهانی و یا آقا محمد ملک التجار) پرهیز دخانیات را مطرح کرد و به خصوص که با در اختیار گرفتن توتون توسط خارجی‌ان، کالای خارجی به حساب می‌آمد و به این دلیل آن را حرام می‌دانستند. آقا نجفی^۱ هم کشیدن توتون را منع کرد و پیروانش قلیان‌ها را شکستند.
وی که در جنبش تنباکو از آغازگران مبارزه بود به تهدیدات ظل السلطان و شاه اعتنا نکرد و پرچم مخالفت را از دست نهاد. در عین حال از فعالیت‌های علمی نیز غافل نشد و آثار بسیار از خود به جای گذاشت. (دایرة المعارف اسلام، ۱۳۶۷، ص ۴۸۲) طبق سند دیگری از کتاب اسناد سیاسی دوران قاجار، استعمال تنباکو را این دو مجتهد حرام و دخانیات را نجس اعلام کرده‌اند. (صفایی، ۱۳۴۶، ص ۴۰)
با توجه به نامه ظل السلطان به ناصر الدین شاه، تحریم توتون و تنباکو در ۱۹ ربیع الثانی ۱۳۰۹ عملاً در اصفهان زودتر از فتوای میرزای شیرازی واقع شده است. در حالی که فتوای میرزای شیرازی در ۱ جمادی الاول ۱۳۰۹ اعلام شد و بعد از ۲۵ جمادی‌الآخر ۱۳۰۹ با دستور خود میرزای شیرازی تحریم از بین رفت.

۱. آقا نجفی در ۲۲ ربیع الثانی ۱۲۶۳ در اصفهان زاده شد. وی به همراه برادرش شیخ محمد علی تأثیر قابل توجهی در لغو امتیاز تنباکو داشت. آقا نجفی پس از تحصیل در محضر پدر خود و نیز میرزا محمد حسن شیرازی و شیخ مهدی کاشف‌الغطا و شیخ راضی نجفی به مقام اجتهاد رسید. طی دوران مرجعیت و حکومت شرعی و عرفی خود در اصفهان، در کمک به مردم، رفع ستم از ایشان و تأمین وسایل آسایش آنان کوشا بود. وی در ۱۱ شعبان ۱۳۳۲ در اصفهان در گذشت.

مواردی دیگری که در این سند قابل بررسی است می‌توان نام برد:

- ۱- اینکه در سند گفته شده «نفس کسی به خلاف قانون بیرون نیامده است» - باید بگوییم منظورش کدام قانون است؟ آیا فرمان و خواسته شاه که خود را ظل‌الله میدانسته است؟
- ۲- «اگر از جانب شخص همایون بازخواست نبینند آرام نگیرند». این جمله نشان دهنده آن است که خود ظل‌السلطان توان مقابله با شورش را نداشته است. البته ناصرالدین شاه در جواب این نامه چنین پاسخ گفته: اگر معترضان دست از عصیان برنداشتند تدبیر دولت این است: «هر قدر قشون از هر جنس از سواره یا پیاده توپخانه و قزاقخانه بخواهد برای تنبیه اشرار و الواط فوراً به عرض برسانید، فوراً فرستاده شود و سیاست و تنبیهی از اشرار و الواط باید بکنید که سال‌های دراز یادگار بماند». (همان، صص ۲۵ و ۲۶)
- ۳- «برای جان نثار در راه ولی نعمت و انجام فرمایشات همایونی به هر چه حکم بفرمایند اطاعت می‌کنم». در ۸ مورد واژه غلام را به صورتهای مختلف تکرار کرده است و این نشان دهنده این است که در مقابل مافوق خود مرد فوق‌العاده متملق و چاپلوسی بوده است.

نتیجه‌گیری:

با توجه به مخالفت‌های گسترده، رژی نتوانست به کار خود ادامه دهد. بنابراین امتیاز لغو شد. مخالفت‌ها در شهرهای مختلف مثل شیراز و تهران صورت گرفت. یکی از آنها شهر اصفهان است که از حضور دو مجتهد برجسته به نام‌های آقا نجفی و برادرش شیخ محمدعلی بهره‌مند است. این دو مجتهد در طی اعتراضها، دخانیات را تحریم کردند و این تحریم در اصفهان بسیار کارگر افتاد. اگر چه به طور وسیع فتوای میرزای شیرازی بود که در همه شهرها تأثیر گذاشت ولی باید به دو نکته توجه داشت، یکی این که فتوای این دو مجتهد در اصفهان زودتر از فتوای میرزای شیرازی بوده و دیگر اینکه

فتوای این دو در اصفهان نافذ بود و تأثیر مهم و به سزایی در ادامه روند اعتراضها داشت و در نهایت هم اعتراض نتیجه بخش واقع شد.

منابع:

آدمیت ، فریدون، (۱۳۶۰)، **شورش برامتیاز نامه رژی**، چاپ اول، تهران، انتشارات پیام.

بامداد، مهدی، (۱۳۴۷)، **شرح حال رجال ایران** ، [بی جا].

تیموری ، ابراهیم، (۱۳۵۸)، **تحریم تنباکو اولین مقاومت منفی در ایران**، چاپ دوم، تهران، شرکت سهامی کتابهای جیبی.

دایرةالمعارف تشیع، (۱۳۷۹)، زیر نظر احمد صدر حاج سید جوادی، کامران فانی، بهاءالدین خرمشاهی، نظر سعید محبی، ج ۸، چاپ اول ، تهران

دایرةالمعارف بزرگ اسلام، (۱۳۶۷)، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، ج ۱، چاپ اول، تهران، نشر مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی

صفایی ، ابراهیم، (۱۳۴۶)، **اسناد سیاسی دوران قاجار**، تهران، [بی ن]



5

17. 4

22

52

امروز ۱۴۰۵

عدد کلمات	ما برقع مطلب	اطلاعات
موضوع	ساعت	تاریخ

[illegible][illegible]